

هو الله - ربّ يا قيوم الأرض و السموات و مسخر الممكات...

حضرت عبدالبهاء

اصلي فارسي



۱۰۲

هو الله

ربّ يا قيوم الأرض و السموات و مسخر الممكات و المحيط بكلّ الموجودات ترى عبادك المخلصين و ارقائك
الموحدين كيف اجتمعوا على كلمة وحدانيتك و ثبتوا على امرك و رسخوا في طاعتك و تعاونوا على اعلاء
كلمتك و تعاضدوا في اشتها دينك و تظاهروا في اشراق انوارك و الاسفار عن وجوه اسرارك و ظهور
اشعتك الساطعه و مصايح ملكوتك اللامعه. اى ربّ زين محفلهم بانوار توحيدك و نور جمعهم بسراج
تقديسك و طهر ساحتهم بفيض سحاب تنزيهك و ايد اركانهم بقوتك القاهرة على كلّ شىء و شدد بنيانهم
بقدرتك الباهرة فى كلّ شىء و اشدد ازهم و قو ظهرهم و يسر لهم امرهم و اجعلهم معالم ذكرك و منابع
ثنائك و مشاعل حبك و مطالع برک و مهابط الهامك و مشارق عرفانك و مشاهد آثارك. انك انت
الملك السلطان المقتدر القدير.

پاک یزدانا این جمع را شمع عالم کن و این انجمن را گلزار و گلشن محفلش را روضه رضوان کن و مشرقش را
مطلع انوار رحمن. از نفحات مشکینش مشام عاکفین کوی دوست را معطر کن و از نسیم عنبرینش دلهای
محرمان حريم مقصود را مفرح. نفوس را در ظلّ جناح رحمت حفظ فرما و قلوب را در صون حمایت حضرت



ORIGINAL



AUDIO

احدیّت جای ده، تأییدات افق ابهیت ارزان کن و موهبت ملاً اعلایت شایان. اگر چه کلّ طیور بی پر و بالیم
لکن در حدائق امرت لانه و آشیانه داریم و بدر گاه احدیّت پناه آریم و از تو عون و مدد میطلبیم و یاری و
یاوری جوئیم. چون بخود نگریم خویش را از ذره کمتر و از پشه کهنتر و پست تر یابیم و چون دریای بخشایش و
عطای تو را بینیم. ذرات را آفتاب انور بلکه روشنتر مشاهده کنیم. ای بخشنده مهربان خطای این بی نوایان را
بذیل عطا بپوش و جفای این مدهوشان را تبدیل فرما بجزهر وفا و عقل و هوش. نفوس را همّتی دیگر عطا فرما
و شوری دیگر در سرها افکن. تا عزّت جاوید طلبند و لذائذ عالم جدید. آهنگ عالم بالا کنند و افق اعلی جویند
و بانجمن کبریا پویند و از ملکوت ابهی فیض برند. عالم ظلمانی نورانی شود و عرصه شیطانی ساحت رحمانی
گردد. خطّه خاک فردوس برین گردد و گلخن فانی گلشن باقی شود توئی مقتدر و توانا و شنونده و بینا (ع ع)

